

■ **نیما احمدپور**

روزهایی که بر ما می‌گذرد مصادف است با سالروز ایراد اولین نطق شهید آیت‌الله سیدحسین مدرس در مقام ایفای وظیفه نمایندگی مجلس شورای ملی. او پس از سیری ساختن دورهای به‌عنوان ناظر بر اسلامیت قوانین و به دلیل اثبات توانایی‌هایش، از سوی ملت به‌عنوان وکیل مجلس انتخاب و روانه مجلس شد. هم‌ا‌ز این روی و در مقالی که در پی می‌آید، به رفتار شناسی سیاسی وی پرداخته‌ام تا سخن از او و منشش‌والایش، تنها به سالروز شهادتش محدود نشود. امید آنکه مقبول آید.

■ ■ ■

مجموعه فعالیت‌های شهید آیت‌الله سیدحسین مدرس را از یک نگاه کلی می‌توان در چارچوب گفته‌ها، نظرات و فعالیت‌های وی در دورانی که در مجلس به‌کار نمایندگی مشغول بود، مورد توجه قرار داد. فعالیت‌های مدرس در مجلس، خود در حوزه‌های گوناگونی جای می‌گیرد که از آن میان، رفتار وی با دولت‌ها، واکنش‌های وی نسبت به رخدادهای آن دوره که در چارچوب عمل سیاسی قرار می‌گیرد، از یک سو و دیگر فعالیت‌های مربوط به شغل نمایندگی و تلاش در راه تصویب قوانین که چهرای اجتماعی به‌خود می‌گیرد، از سوی دیگر، دو جنبه اساسی از عمل مدرس را تشکیل می‌دهد.

■ **دولت مهاجرت، نمادی از نبوغ سیاسی مدرس**

در خصوص رفتار مدرس با دولت‌ها، چند حادثه بسیار مهم وجود دارد که زمینه‌ساز اقدامات عملی مدرس می‌گردد. از این میان، حادثه مهاجرت و مهاجران، یکی از نقاط عطف فعالیت‌های سیاسی مدرس محسوب می‌گردد. از این رهگذر، مجلس دوره سوم با جنگ جهانی اول مصادف شد. آلمان، اتریش و عثمانی با نام عمومی متحدان در یک سو قرار داشتند و روسیه، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و آمریکا با عنوان متفقین در سوی دیگر صفا‌رایی کرده بودند. به‌هنگام وقوع جنگ جهانی اول، کابینه مستوفی‌الممالک، تدبیر امور کشور را در دست داشت. دولت روسیه بخش‌هایی از شمال و شرق ایران متصرف کرده و دولت انگلستان نیز از جنوب، خوزستان را تحت نفوذ خویش در آورده بود و دولت عثمانی هم به منظور جلوگیری از نفوذ روس‌ها، بخش‌هایی از آذربایجان را تصرف کرده بود. در این زمان، احمدشاه تصمیم می‌گیرد پایتخت ایران را به‌سفاهان انتقال دهد. در این حال گروهی از آزادخواهان با نظر احمدشاه مبنی بر تغییر پایتخت، مخالفت کردند که در این زمینه، جلسات مشاوره‌ای متعددی تشکیل شد و سرانجام با پیشنهاد مدرس قرار شد یک دولت موقت به‌وجود آید تا جدا از دولت مرکزی، به اقداماتی در جهت مخالف بپردازد. این دولت از جانب متحدان به رسمیت شناخته شد. هدف از انجام این طرح نیز آن بود که در صورت پیروزی متحدان، حکومت رسمی ایران معرفی گردد و در صورت پیروزی متفقین، دولت مرکزی همچنان رسمیت داشته باشد تا از آسیب و تأثیر مخرب جنگ در امان بماند. در ادامه این سیاست، مهاجرت آغاز شد و ۲۷ نفر از کلاهی مجلس همراه دیگر رجال به قم رفتند و در آنجا، مهاجران کمیته دفاع ملی را تشکیل دادند و مدرس، میرزا محمدصادق طباطبایی، نظام‌السلطنه‌مافی و سلیمان میرزادر رأس قرار گرفتند. مهاجران سپس از قم به کرمانشاه تغییر مکان دادند و در آنجا، پس از به‌هم خوردن اوضاع ریاست آن دولت با نظام‌السلطنه و مدرس وزیر دادگستری اوقاف بود. با ادامه بحران، دولت موقت رهسپار عثمانی شد و ملاقات‌هایی با سلطان محمد پنجم پادشاه و دیگر مقامات عثمانی داشت. سرانجام، مهاجرت پس از دو سال با پایان جنگ جهانی پایان می‌یابد.

این عمل سیاسی که به همت مدرس و برخی دیگر از رجال سیاسی کشور صورت پذیرفت، نشانه‌ای از ذکاوت سیاسی این مجموعه می‌باشد که نظیر آن در کشورهای دیگری همچون روسیه نیز در دوره جنگ دوم جهانی اتفاق افتاد. در زمان جنگ جهانی دوم و به‌هنگام اشغال فرانسه، دولتی در شهر «ویشی» تشکیل شد. دولتی دیگر هم در دست دوکل بود. دولتی پیش‌گفت رقت، تمام کارهایی را که مارشال پتن انجام داده بود، از میان بردند و اعلام کردند که آن قرار داد صحیح نبوده و رئیس اصلی حکومت، دوکل است.

■ **سیاسیت بر تکرار رضاخان در تمامی کابینه‌ها**

از دیگر جنبه‌های قابل توجه در عمل سیاسی مدرس نسبت به فعالیت دولت‌ها، می‌توان از استیضاح مدرس نسبت به دولت مستوفی یاد کرد. ریشه‌های این استیضاح در حوادث پس از کودتای سال ۱۲۹۹ بود که رضاخان در تمام کابینه‌ها، سمت وزارت جنگ را بر عهده داشت و سپس به فرماندهی کل قوا هم رسید. در کابینه مستوفی هم او وزیر جنگ بود و بر قدرت خویش می‌افزود. مدرس که مستوفی را در مقابل اعمال خودسرانه رضاخان ناتوان می‌دید، اقدام به استیضاح نمود. سخن مدرس در مورد مستوفی با این مضمون است: مستوفی چنین است: «ما رجالی داریم که همه‌شان خوب هستند. بعضی شمشیر برنده هستند برای موقی، بعضی شمشیر مرصع جواهرنشانانی‌اند که فقط در روزهای بزم و ایام سلام باید به‌کمر بست. ممالک ما این روزها احتیاج به شمشیر برنده فولادی دارد»

آن‌گاه به‌تنهایی ورقه استیضاح دولت مستوفی را به‌خاطر روی کار آمدن نخست‌وزیری که بتواند در مبارزه با خودسری‌های رضاخان، توانا و قدرتمند باشد، به رئیس مجلس داد و طی نطق مشهوری که متضمن فلسفه سیاسی او، یعنی «موازه» عدمی و وجودی» است، مسائل جاری را تشریح کرد. رفتاری مشابه این رفتار سیاسی یک بار دیگر، زمانی که رضاخان مقام رئیس‌الوزاری داشت، تکرار شد. فعالیت‌های مستبدانه رضاخان و فشار بر مجلس و مردم و دستگیری و توقیف آزادخواهان، مدرس و یاران او را بر آن داشت تا در جلسه هفتم مرداد ۱۳۰۳، ورقه استیضاح را به رئیس مجلس تقدیم کنند. در این استیضاح‌نامه چنین آمده بود: «اینجانبان راجع به موارد ذیل از آقای رئیس‌الوزرا استیضاح می‌نماییم:

۱-سوء سیاست نسبت به داخله و خارجه.
۲-قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهمین به مجلس شورای ملی.
۳-تحويل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه.
حائزوزاده، عراقی، کارزونی، مدرس، اخگر، ملک‌الشعراء و سیدحسین زعمی.»

■ **نفی جمهوری خواهی رضاخان**

جنبه‌ای دیگر از برخورد مدرس با دولت‌های وقت، پرداختن



شهید آیت‌الله سیدحسین مدرس



آیت‌الله مدرس در پیش‌بینی پیامدهای تجدد رضاخانی گفت: «قرباً چوپان‌های قر به‌های قرعینی و کنگاور، با فکل سفید و کراوات خودنمایی می‌کنند، اما در زیباترین شهرهای ایران، آب لوله و آب تمیز برای نوشیدن مردم ایران پیدا نخواهد شد. ممکن است شمار کارخانه‌های نوشابه‌سازی افزون گردد، اما کوره آهن‌گداز و کارخانه کاغذسازی پا نخواهد گرفت. درهای مساجد و تکایا به‌عنوان منع خرافات و اوهام بسته خواهد شد، اما سیل رمان‌ها و افسانه‌های خارجی که در واقع جز تحسین‌کرد فرنگی چیزی نیستند، به وسیله مطبوعات و پرده‌های سینما به این کشور جاری خواهد گشت»

گذری بر مجموعه کنش و واکنش‌های سیاسی شهید آیت‌الله سیدحسین مدرس

سرباز به کار پادشاهی نمی‌آید!

به‌ماجرای جمهوری خواهی بود. در جلسه ۱۳۰۲/۱۲/۲۳، طرح سه ماده‌ای تغییر رژیم مشروطه به جمهوری به وسیله تدین و ۱۴ امضای دیگر به رئیس مجلس داده شد. این طرح با اشاره به این‌که همه مردم ایران از رژیم مشروطه ناراضی هستند و طی تلگراف‌های عدیده طالب جمهوری می‌باشند، سه ماده ذیل را به مجلس ارائه کرد:

۱-تبدیل رژیم مشروطه به جمهوری.
۲-اختیار دادن به و کلاهی دوره پنجم تا در قانون اساسی موافق مصالح مملکت در رژیم جدید تجدیدنظر کنند.
۳-پس از معلوم شدن نتیجه آرای عمومی، تغییر رژیم به وسیله مجلس شورای ملی اعلام شود.
طرح یاد شده به کمیسیون ارجاع شد تا در آن مطالعه شود و در فاصله تعطیلات عید، مدرس، هدف از تغییر رژیم و جمهوری رضاخانی را برای مردم بیان کرد.او عقیده داشت:

«من با جمهوری واقعی مخالف نیستم و حکومت صدر اسلام هم تقریباً و بلکه حقیقتاً جمهوری بوده است، ولی این جمهوری که می‌خواهند به‌ما تحمیل کنند، بنا به اراده ملت نیست، بلکه انگلیسی‌ها می‌خواهند به ما تحمیل کنند و حکومتی را که صددرصد دست‌نشانده و تحت اراده خودشان باشد در ایران مستقر سازند و از همه مهم‌تر، به واسطه مخالفت احمدشاه با قرار داد و استیضاح‌های انگلیسی‌ها می‌خواهند از او انتقام بگیرند. اگر واقعاً نامزد و گانددای جمهوری، فردی آزادبخواه و ملی بود، حتماً با او موافقت می‌کردم.»
مخالفت‌های مدرس سرانجام به باز پس‌گیری این طرح و انصراف طراحان آن از ادامه ماجرا انجامید.

■ **مدرس و تحمیل خسارت بار وثوق‌الدوله**

برخورد مدرس با قرار داد ۱۹۱۹ وثوق‌الدوله، از جمله دیگر رویکردهای عملی مدرس در حوزه مقابله دولت‌هاست. قرار داد یادشده به امضای «وثوق‌الدوله» و سرپرستی «کاکس» وزیر مختار انگلستان رسیده بود. در مجموعه آرشیو مجلس سندی به صورت نامه وجود دارد که در بدو انتشار قرار داد ۱۹۱۹، مدرس و یارانش به احمدشاه نوشتند و آن را به صورت نامه سرگشاده بین مردم بخش کردند. در این سند، مساعدت‌های هیبت دولت در پذیرش تقاضای امتیازات مهم و واگذاری امتیازات ضد منافع ایران به همسایگان را محکوم و این قبیل مسائل را از اختیارات و وظایف مجلس شورای ملی برمی‌شمارد. رساله «بطل‌الباطل» نوشته عبدالله مستوفی، در رد قرار داد نیز به دستور مدرس نوشته شد. از مجموع موضع‌گیری‌ها و سخنان مدرس در برابر فعالیت دولت‌های گوناگون چنین بر می‌آید که مدرس در چارچوب نظری و اندیشه‌ای خویش، اصول و قواعدی

عاریخ

کفت وگور ۸۸۴۹۸۴۳۷

پیش‌خواب

نظری و گذری بر اثر تاریخی- روایی «شوخی در محافل جدی»

سیاستمداران چگونه مزاح می‌کردند؟

■ **محمدرضا کائینی**



از د کتر نصرالله شیفته به دلیل پیشینه‌مطبوعاتی و سیاسی وی، آثار متعددی را با اشتیاق خوانده و در کتابخانه‌ام نگاهداری کرده‌ام. سال گذشته و در برانداز کتاب‌های عرضه شده در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، متوجه اثری خواندنی شدم به قلم آن مرحوم و با عنوان: «شوخی در محافل جدی». بر حسب آنچه عبدالرفیع حقیقت در دیباچه این اثر نگاشته بود، این کتاب چنین مضمونی داشت:

«کتاب حاضر که زیر عنوان شوخی در محافل جدی شامل ۵۸۰ شوخی مختلف سیاسی و اجتماعی و ادبی مربوط به دوره پهلوی است، حاصل نیم قرن روزنامه‌نگاری شاداران دو دکتر نصرالله شیفته روزنامه‌نگار مشهور ایران و سردبیر روزنامه‌های مرد امروز و باختر امروز و سرانجام مدیر مجله دانشمند و نخستین رئیس انجمن دانش‌پژوهان ایران است که در طول مدت ۵۰ سال روزنامه‌نگاری خود با علاقه‌مندی ویژه‌ای جمع‌آوری نموده است. لازم به توضیح است که نگارنده از سال‌های بسیار دور ابتدا در هیئت تحریریه مجله دانشمند و سپس در انجمن دانش‌پژوهان ایران و انجمن ادبی و پژوهشی آفتاب حقیقت با مرحوم دکتر نصرالله شیفته پیرامون چاپ و انتشار آثار مربوط به حوادث سیاسی نیم‌قرن اخیر همکاری بسیاری دوستانه و صمیمانه‌ای داشته‌ام. به همین جهت به ترتیب کتاب‌های زندگینامه مبارزات سیاسی دکتر حسین قاضی‌میرزا و اندیشه‌های نسل جوان از دختر و پسر تدریجاً بر بنیان همان افسانه‌های پوچ قرار خواهد گرفت و مدنیت غرب و معیشت ملل مترقی در رقص و آواز و دزدی‌های عجیب آرسن لوپن و بی‌عفتی‌ها و مفاسد اخلاقی دیگر خواهد شد، مثل آن‌که آن چیزها، لازمه تمدن بودن است.»

■ **ترسم ترستی به کعبه ای اعرابی**

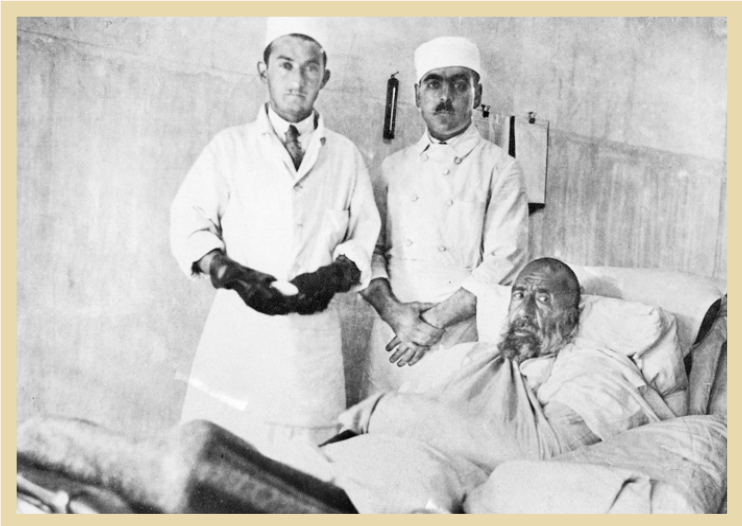
مخالفت‌های مدرس پس از روی کار آمدن حکومت رضاخان همچنان ادامه می‌یابد و این بدان دلیل است که او عقیده دارد یک سرباز به‌کار پادشاهی نمی‌آید. بیان گروش‌های از گفت‌وگوهای مدرس و رضاشاه به نقل از همسر تیمورتاش، تأییدکننده این‌س موضع مدرس است. همسر تیمورتاش می‌گوید:

«در آن ایام که رضاخان بیش از چند ماهی نبود به سلطنت رسیده بود، یک شب... به منزل ما آمد و در اتاق با تیمورتاش، صحبت می‌کردند که مدرس... به‌اعلیحضرت و پادشاهی است، بلکه گردش روزگار مسائلی را پیش آورد که بزرگ‌ترین و مقدس‌ترین مبانی ایمانی ما دستخوش نابودی است. تغییر رژیم فعلی ایران در حال حاضر، مفهومش اخلاص مبنایی ایمانی و قومیت ایرانی است و غرض این است که هرگاه مقصود دیگران تنها عبرت از برداشتن شاه بود، من که مدرس هستم، صریحاً می‌گویم به مبارزه می‌پردازم، اما بر من ثابت شده که معنای تغییر رژیم، یعنی تمام چیزهایی باعث انتظام‌رشته‌های مختلف حیات‌ما بوده‌است. همان چیزهایی که ایرانی را از سخت‌ترین مخاطرات خلاصی بخشیده‌است.»

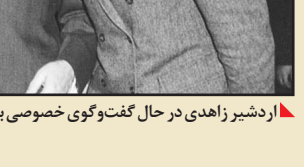
■ **مشاهده آینده ایران در آئینه تغییر رژیم قاجار**

مدرس بر اساس تجربیات و دیده‌ها و شنیده‌های خویش، با پیش‌بینی آنچه اتفاق خواهد افتاد، عقیده دارد که در رژیم جدیدی که نقشه آن را برای ایران بیتوا می‌کشند،

ترسم ترستی به کعبه ای اعرابی/این‌ره که تو می‌روی به ترکستان است... و هر دو با گلابه از یکدیگر جدا می‌کنند.



شهید آیت‌الله سیدحسین مدرس در بیمارستان پس از ترور توسط عوامل رضاخان



اردشیر زاهدی در حال گفت‌وگوی خصوصی با عباس خلعتبری در فرودگاه مهر آباد تهران

آن را به بعد موکول می‌ساخت.

۴-هدف دیگر نویسنده آن بود که برای ضبط در تاریخ و معرفی رجال و موقع شناسی و نکته‌سنجی برخی از ایشان به منظور شناسایی روحیات و رفتار رجال سیاسی، اداری، اقتصادی و ادبی معاصر ما برای نسل‌های آینده مدارکی در دسترس باشد.

ش‌نویسنده در گردآوری این لطیفه‌ها، از منابع مختلف گوناگون استفاده کرده است. بیشتر از همان شخصیت‌ها که در متن شوخی قرار داشتند یا شنوندگان و حضاران در آن جلسات یا از دوستان روزنامه‌نگار یا از سیاستمداران و ارشیان شاخوره و بازنشته.

ع‌سوالی‌س که نویسنده در گردآوری این شوخی‌ها به‌کار می‌بردم، بیشتر بدان جهت بود که فقط از یک منبع آن را مورد استفاده قرار ندهم تا بعداً دچار مشکلاتی شوم، به همین مناسبت آن را دو سه بار با افراد مطلع و مطمئن مورد محک و آزمون قرار می‌دادم.

۷-نکته دیگر آن که در مورد برخی از لطیفه‌ها که رجال یا روابیان آن را برابرم نقل می‌کردند، آنها بر حسب ذوق و سلیقه خود با برخی جشو و زوائد نقل می‌کردند که گاهگاهی از ظرایف لطیف می‌کاست، به همین مناسبت سعی بر

به اختصار چنین است:
۱- نخست آن که خوانندگان در یابند همه مذاکرات، بحث‌ها، گفت‌وگوها که در مجالس رسمی، جلسات هیئت وزیران و کنفرانس‌ها و دیگر مراکز سیاسی و علمی و ادبی انجام می‌گیرد کاملاً جدی نیست، چه برخی از شرکت‌کنندگان در این جلسات، در لابه‌لای مذاکرات سیاسی، علمی، ادبی و غیره با استفاده از یک لطیفه، شعر، ضرب‌المثل طنز گونه موجب انبساط خاطر حضار می‌شوند که جلسات و میباحثات از حالت یکنواختی خود به‌در می‌آید.

۲-نکته دیگر آنکه در یک قرن اخیر بسیاری از رجال سیاسی، پارلمانی، اداری، دانشگاهی با آنکه از هوش و ذکاوت سرشاری برخوردار بودند به این نکته‌تظاهر می‌کردند که با ادای